

منتقد آمریکایی:

مهرجویی هرگز در خارج از ایران به حق خود نرسید



«گادفری چشایر» منتقد آمریکایی که آشنایی کاملی با سینمای ایران دارد، در مطلبی به توصیف سینمای داریوش مهرجویی پرداخت. در بخش هایی از این مطب که در وبسایت «اجر ایبرت» منتشر شده، آمده است: با شنیدن خبر تکان دهنده مبنی بر اینکه داریوش مهرجویی، فیلمساز ایرانی و همسرش در خانه خود در خارج از تهران با ضربات چاقو کشته شدند، ذهنم به خاطرات متوالی از استاد و کارهایش برگشت.

اسکویی:

من مستندسازم و عاشق قصه هشتم



مهرداد اسکویی کارگردان در چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران بیان کرد: به عشق دیدن فیلم‌های جدید و کشف ذهن‌ها و احساسات مختلف، داوری بسیاری از جشنواره‌ها را قبول کرده‌ام.

«ویلاي ساحلي» کيانوش عياري آذرمه مي آيد



فیلم سینمایی «ویلاي ساحلي» به کارگردانی کيانوش عياري و بازی رضا عطاران و پژمان جمشیدی، آذرمه‌اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌کند.

همبازی‌های الناز شاکر دوست مشخص شدند



نمایش «آواز عاشقانه دختر دیوانه» نوشته طلا معتمدی و کارگردانی مشترک آروند دشت‌آرای و مارین ون‌هولک از ۷ آبان‌ماه با اجرای محدود روی صحنه تالار اصلی تئاترشهر می‌رود.

کشف داود رشیدی، همچنان جذابیت دارد



اول بار داود رشیدی بود که نمایشنامه «در انتظار گودو» را به هموطنان خود معرفی کرد. حالا حدود ۵۵ سال از آن دوره می‌گذرد و این نمایشنامه همچنان روی صحنه تئاتر ما جان می‌گیرد. به تازگی دو اجرای گوناگون از نمایشنامه «در انتظار گودو» روی صحنه رفته است؛ مازیار لرسستانی بعد از ۱۷ سال دوری از تئاتر، یکی از کارگردان‌هایی است

هم‌زمان با سومین سالگرد درگذشت زنده‌یاد محمدرضا شجریان، دوستداران او در خانه هنرمندان گرد هم‌آمدند و یاد او را گرامی داشتند. مراسم بزرگداشت سومین سالگرد درگذشت محمدرضا شجریان با حضور هنرمندانی همچون حمیدرضا نوربخش (خواننده)، داوود گنج‌های (نوازنده کمانچه)، آرش امینی (رهبر ارکستر)، علی جهاندار (خواننده)، یونس شکرخواه (روزنامه‌نگار)، غلامحسین امیرخوانی (خوشنویس)، داریوش پیرنیاکان (آهنگساز)، عباس مجیدی (مجسمه‌ساز)، فاضل جمشیدی (خواننده) و ... در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

شجریان؛ یکی از بزرگترین چهره‌های موسیقی در دنیای معاصر

در این مراسم که عباس سجادی اجرای آن را برعهده داشت، نخستین سخنران، قطب‌الدین صادقی (کارگردان و نویسنده) بود که در سخنانی گفت: فرهنگ ایران به جز ادبیات کلاسیک، چهار پرچم حیرتانگیز دارد که در دنیا مایه فخر این سرزمین است؛ موسیقی، نمایش، فرش، کاشی و معماری این چهار پرچم هستند. یکی از بزرگترین چهره‌های موسیقی در دنیای معاصر ایران، استاد شجریان است. به نظر من ایشان مصداق این جمله آرتور شوپنهاور است که می‌گوید: «همه هنرها می‌کوشند تا به پای موسیقی برسند؛ زیرا در موسیقی آنچه تعیین‌کننده و تأثیرگذار است قدرت تجریدی

شکرخواه:

شجریان از «مطرب» استاد ساخت!



خود درباره شجریان، به بیان دو خاطره پرداخت و گفت: من هیچ‌وقت شناس همکاری با او را نداشتم ولی از جشن هنر سال ۵۲ که او را دیدم و تا زمانی که فوت کرد هر از چند گاهی در محافلی او را می‌دیدم. او یک مراقبت بزرگ در زندگی شخصی خود و یک رژیم فرهنگی حیرتانگیز داشت و شایسته این بود که به این مقام برسد. یادم است راین فرهنگی فرانسه ما را دعوت کرده بود و داشتم با او صحبت می‌کردم که چه شد که دوباره با لطفی کار می‌کند و او گفت: «هنوز از لطفی موزیسین‌تر نیست» و بعد همان‌طور که حرف می‌زد به من گفت که ایرادی ندارد به تراس برویم؟ تعجب کردم سالی بزرگ بود که خیلی از بزرگان فرهنگ و هنر هم بودند. به خاطر دارم که پاییز بود و هوا کمی سرد بود. سوال کردم که چرا به اینجا آمدید؟ گفت چند نفر آنجا سیگار می‌کشیدند.



ثبت کرده بودم. رودخانه‌ای کنار این روستا وجود دارد که کودک در آن غرق شده و مدت‌ها بعد جسدش را پیدا کردند. **ثبت دوباره تصویر بعد از چند سال** او به تغییر و تحول خاصی که طی سالیان در میان زندگی مردم روستا اتفاق افتاده است هم اشاره کرد و از تغییری که در پرده‌هایی گلدوزی شده ایجاد شده است سخن گفت. او اظهار کرد که در قدیم پرده‌هایی گلدوزی شده روی دیوارهای خانه نصب می‌شد که متناسب و متأثر از محیط پیرامون نقاشی شده بود. او افزود: در گلدوزی‌های قدیمی‌تر، پلنگ، کبک و عروس و داماد ... استفاده می‌شد اما متأسفانه این پرده‌ها حالا جایش را به پرده‌های چینی ماشینی داده است و خیلی کمتر این پرده‌ها را می‌بینیم.

به نظر من سردمدار این افراد آقای شجریان بود و او بود که به نوازنده و سازنده اعتبار بخشید. **شجریان تفکر نظام‌مند داشت** این کارگردان ادامه داد: شجاعت شجریان مثال‌زدنی بود. شخصیت اجتماعی او سه بار نمود پیدا کرد؛ یک بار در دوره ایران قبل از انقلاب اسلامی که به رادیو و تلویزیون به خاطر کثرت ابتدال اعلام جنگ داد و گفت که دیگر صدای او را پخش نکنند. یک بار بعد از انقلاب اسلامی که بعضی از افراد می‌خواستند موج موسیقی‌های اجتماعی و فرهنگی را در کانال تبلیغاتی برای بعضی از احزاب بیندازند که شجاعانه ایستاد و به آنها هم نه گفت. بار سوم هم زمانی بود که گفت آثارش پخش نشود. این‌ها نشان از اعتماد به نفس و تفکر اندیشمند و نظام‌مند او داشت. **قطب‌الدین صادقی و دو خاطره از شجریان** او همچنین در راستای سخنان

شما اگر در حافظه عاطفی خود احساسات درشت را تجربه نکرده باشید، نمی‌توانید در بازآفرینی هنری، آن را یک بار دیگر نشان دهید. به نظر من آقای شجریان دارای این سه ویژگی بسیار والا بود که توانست جایگاه بالایی برای خود در فرهنگ موسیقایی ایران به دست بیاورد. صادقی با بیان اینکه «تنها تسلط ادراک و غلظت عاطفی آثار شجریان نیست که از او یک تصویر نمادین از فرهنگ معاصر ساخت» گفت: آنچه که از او یک استثنا ساخت، در حقیقت تشخیص مرحوم شجریان بود. او به همراه عده‌ای مانند مرحوم لطفی یا حسین علیزاده، موسیقی ایرانی را از حالت بزمی و مجلسی خارج کردند و یک بعد اجتماعی بسیار نیرومند به آن دادند. بسیار فرهنگی و بسیار تأثیرگذار. زخمه‌ها دیگر حتی اجتماعی بود. یک شور و خروش در آن بود که بود بسیار کارساز بود.

نمایشگاه «دا؛ رد پای خورشید را به خانه باز می‌کند»؛

چرا در این عکس‌ها هیچ مردی نمی‌بینیم؟!

یاسوج و خانه هنرمندان ایران برگزار شده است. این نمایشگاه ۲۱ مهر ماه برپا شد و تا هشتم آبان ماه در گالری تابستان خانه هنرمندان ایران ادامه خواهد داشت. در این نمایشگاه حدود ۴۴ تصویر که در روستا و عشایر کهگیلویه و بویر احمد به ثبت رسیده، نمایش داده می‌شود.

این عکاس با اشاره به تجربه خودش از زندگی در روستا و بزرگ شدن میان عشایر، گفت: خرده فرهنگ و منش‌هایی انسانی را در این زندگی دیدم و بعد از مدتی احساس کردم که این شیوه از زندگی با سرعت بیش از حد تصور در حال تغییر است. احساس می‌کنم تنها چیزی که این زندگی را ثبت می‌کند عکس و عکاسی است. او که محوریت عکس‌هایش را «مادر» شکل داده است، درباره فقدان حضور مردان در روستایی که این تصاویر در آن ثبت شده است، گفت: این روزها زمینه کار در استان کهگیلویه و بویر احمد کم است و با کاهش امکان دام‌پروری در این استان مردان روستا به سمت بنادر شهرهای جنوبی روانه شدند و همین موجب شده تا بسیاری از کارهای

می‌شوند؛ ماه و خورشید مرد بودند چون در اسطوره‌های آن دوران، خورشید و زهره دوقلو بوده و هر دو از همسر خدای ماه «یزدبانو» متولد شدند. از مادر - این خورشید به تصور عام - گاه به عنوان تصویری ابزاری نیز استفاده شده است. نشان دادن یک قدیسه و نمایشی از یک تصویر، زیبا، بکر و مادرانه که به‌خصوص در تصویر زن عشیره سوژه عکاسان عام و خاص بوده است. نمایان و برجسته ساختن المان‌هایی از زنی زیبا، فداکار و از خودگذشته که چشم انسان را در دیدن ابعاد وسیع زن یا مادر به چالش می‌کشد. صادر بودن در عشایر اما اغلب تصویری مرسوم است؛ جبری است که مادر را منزله، با چروک‌های روی صورت، گیسوان سفید یاحنایی رنگ بافته شده، دستانی لاغر و کارکرده اما قوی، قامتی خمیده اما سربلند و با چشمانی عمیق، نافذ و غم‌دیده می‌سازد. اسحاق آقایی - عکاس - این روزها نمایشگاه عکس «دا؛ رد پای خورشید را به خانه باز می‌کند» را در خانه هنرمندان ایران برگزار کرده است. این نمایشگاه البته با همکاری انجمن سینمای جوان